

# مسکوی لنین

آلفرد روسمر

پیشگفتار: آلبر کامو

ترجمه کیانوش یاسایی



نشر اختران

## فهرست

- پیشگفتار آلبر کامو بر چاپ نخست (۱۹۵۳)..... ۹
- پیشگفتار نویسنده..... ۱۵
- ۱۹۲۰..... ۲۱
۱. اروپای ۱۹۲۰..... ۲۳
۲. سفر به مسکو..... ۲۸
۳. اول ماه مه در وین..... ۳۶
۴. چکسلواکی ماساری..... ۴۰
۵. کلارا زتکین. شلیاپنیکوف. راهپیمایی باشکوه در برلن..... ۴۲
۶. از اشتتین تا روال(تالین)..... ۴۷
۷. پتروگراد. زینوویف..... ۵۱
۸. مسکو. در کمیته اجرایی بین الملل کمونیست. سادول. رادک. بوخارین..... ۵۴
۹. تروتسکی..... ۵۷
۱۰. در کرملین. لنین..... ۶۱
۱۱. در میان نمایندگان در دومین کنگره بین الملل کمونیست..... ۸۳
۱۲. رادک از باکونین می گوید..... ۸۸
۱۳. اسمولنی. افتتاحیه باشکوه کنگره دوم..... ۹۰
۱۴. بحث های کنگره دوم..... ۹۴
۱۵. تروتسکی خطابه مانیفست گونه اختتامیه را ایراد می کند..... ۱۰۹
۱۶. خلق های خاور در کنگره باکو..... ۱۱۹
۱۷. سندیکاهای روسیه..... ۱۲۸
۱۸. آنارشیت ها، مرگ و تدفین کروپوتکین..... ۱۳۴
۱۹. کنگره حزب سوسیالیست فرانسه. اکثریت به عضویت در بین الملل کمونیست رأی می دهد..... ۱۴۱
۲۰. در میان گروه کمونیست فرانسوی در مسکو..... ۱۴۴
۲۱. قطار تروتسکی. رانگل. ختم جنگ داخلی..... ۱۴۹
- ۱۹۲۱..... ۱۵۷
۱. پیرامون مسئله سندیکا بحثی گسترده درمی گیرد..... ۱۵۹
۲. خیزش کرونشات..... ۱۶۲

۳. لنین سیاست اقتصادی نو(نپ) را به سومین کنگره بین‌الملل کمونیست

- ارائه می‌دهد..... ۱۶۸
۴. بین‌الملل سندیکاهاى سرخ کنگره مؤسس خود را برگزار می‌کند..... ۱۸۴
۵. جمعیندى اقامت هفده ماهه ..... ۱۹۲
۶. بازگشت به پاریس: دنیایی دیگر..... ۱۹۴
- ۱۹۲۲..... ۱۹۷
۱. بازگشت به مسکو. جبهه واحد. شلیاپنیکوف و کاشن..... ۱۹۹
۲. بحران جهانی اقتصاد. لوید جورج پیشنهاد برگزاری کنفرانس می‌دهد. کن..... ۲۱۰
۳. نمایندگان سه بین‌الملل در برلن..... ۲۱۳
۴. جنوا و راپالو..... ۲۱۹
۵. محاکمه سوسیال‌رولوسیونرها..... ۲۲۱
۶. پنجمین سالگرد انقلاب اکتبر. چهارمین کنگره بین‌الملل کمونیست..... ۲۲۷
۷. حزب کمونیست فرانسه و مصائبش..... ۲۳۵
۸. فروسار استعفا می‌دهد. کاشن می‌ماند..... ۲۴۴
- ۱۹۲۳..... ۲۶۱
۱. پوانکاره رور را اشغال می‌کند..... ۲۶۳
۲. هامبورگ: ادغام بین‌الملل دوم و بین‌الملل وین..... ۲۷۳
۳. آشتیگی در رهبری بین‌الملل کمونیست. موقعیت انقلابی در آلمان..... ۲۷۶
- ۱۹۲۴..... ۲۸۷
- مرگ لنین..... ۲۸۹
- ضمائم..... ۲۹۱
- ۱ آخرین توصیه‌های لنین به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه که  
وصیتنامه سیاسی او شناخته می‌شود..... ۲۹۱
- ۲..... ۲۹۳
۳. آخرین نطق لنین در برابر بین‌الملل کمونیست..... ۲۹۵
- (کنگره چهارم، ۱۳ نوامبر ۱۹۲۲)..... ۲۹۵
- مؤخره..... ۲۹۹
- ضمیمه بیوگرافی مختصر برخی اشخاص و توضیح برخی اسامی..... ۳۱۳

## ۱. اروپای ۱۹۲۰

اوایل ۱۹۲۰ بود. تولون بودم پیش دوستم مارسیل مارتینه که نامه‌ای از پاریس رسید. کمیته تدارک بین‌الملل سوم مرا برای سفر به روسیه شوروی مأمور کرده بود. وقت کم بود. باید تا هفته بعد برای سفر آماده می‌شدم. این بیشتر از زمانی بود که برای انجام مقدمات سفر نیاز داشتم. برای من و برای همه کسانی که سال‌های دراز آنچه آن موقع جنگ کبیر نامیده می‌شد را در کنار آنان زیسته بودم، انقلاب اکتبر انقلاب موعود بود که باید پس از جنگ سر می‌رسید. سپیده‌دم دورانی نو بود. زندگی دیگری آغاز شده بود. هر آنچه متعلق به پیش از آن بود دیگر رنگی نداشت. کتاب‌ها و جزوات و مجموعه‌ها و کارهای آماده و نیمه‌آماده‌ام دیگر جذابیت‌شان را برایم از دست داده بودند. آماده‌تر از آماده بودم. بی‌تاب راهی شدن.

فکر سفر به مسکو دائم در سرمان بود، خاصه در سر من که پیشاپیش به‌عنوان مسافر انتخاب شده بودم. اما در آن وقت چنین سفری کار ساده‌ای نبود، خاصه برای فرانسوی‌ها. فرانسه کِلِمانسو و پوانکاره نشان داده بود که علیه جمهوری شوروی خشمگین‌تر از کشورهای دیگر است. کلمانسولاف زده بود که از دنیا منزوی‌اش می‌کند و گفته بود این طاعونی‌ای است که باید "طناب نجاتی" دورش پیچید تا هم خفه شود و هم خلیق علیه واگیرش بیمه شوند. ما فقط می‌توانستیم بنشینیم و حسرت بخوریم به کسانی — عمدتاً انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها — که این امکان را داشتند تا از موانع جورواجوری که بخشی از این "طناب" بودند بگذرند.

با همه این حرف‌ها ما می‌توانستیم از میان انبوه مطالبی که روزنامه‌ها چاپ می‌کردند راست را از دروغ تشخیص دهیم. انقلاب اکتبر بورژوازی را غافلگیر کرده بود و نمایندگان بورژوازی، حتی کسانی که کودن هم نبودند، نمی‌توانستند بفهمند چه پیش آمده. این هسته کوچک مهاجرانی که حکومت موقت اجازه داده وارد روسیه شوند چطور می‌تواند خود را در قدرت نگه دارد؟ می‌گفتند این بی‌تردید کابوس است اما چند روزی بیش دوام نخواهد داشت.